

روز دیگر چندین جلد کتاب انجیل تذهیب شده کهنه با سم
 ازور دوکات در بازار منتشر ساختند و اشاعه یافت که نشون انگلیس
 بخشگی پیساده شده بزم تسخیر کرمان و مجبور ساختن مردم را
 بقبول مذهب عیسوی رهسپار است و مآثر دوکات تذکره حمایت و
 تأمین نامه توزیع میکند - بکنفر ملا گماشته شد که برضد دعوت
 مسیحی نطق و موعظه نماید - در ۲۳ دسامبر بهنگام نصف شب
 محمی تشکیل یافت و حمله بر اتباع انگلیس را موضوع مذاکره
 قرار دادند - این ضدیت را ناظم و حاجی اب وسید شهاب دحبل
 بوده وهمی سعادت میگردند .

شیراز

از اواخر نوامبر گذشته در اغلب ادم دسامبر حیات اغتشاش
 مداومت داشت و شلیک تفنگ بسیار میشد - دزدی و حمله بر مردم
 اتصالاً در کوچه ها ازدیاد مییافت - حمله که بر بوکر مستر گراهم
 کردیده و در خلاصه وقایع سابق راپورتنی داده شده بود اینک
 تفصیل و شرح آن واصل گردید - روز دهم دسامبر
 متعمداً بکفیل بانک شاهنشاهی تیر انداختند ولی خوشبختانه بخطررفت
 چندین مرتبه مابین فریقین متخاصمین (قوامیان و اتباع سید لاری)
 عنوان صلح پیش آمد لیکن منتج نتیجه نگردید - خیر الدوله که
 اسم اب الحکومه است دارای هیچگونه قوه و استعدادی نیست و
 قوایی هم که موجود است بکلی در قبضه اختیار پسران قوام درآمده

صاحب اختیار که بفرماهرمائی فارس نامزد شده بود روز ۳۰ دسامبر بمقر مأموریت خود عزیمت نمود - اخبار احیره اشعار مندارد که اوضاع خیلی آرام است .

بنا بر راپوربی که چار وادارها میدهند بشنگحیان در عرص راه از قوافل باج منکیرید و در حوالی حنار راه از کاروان مستر زنگر جلو گیری کرده تمام اموال آنها را بسرف بردند - از جمله اشیاء منبویه يك صندوق شمش هره سکه بیضه هفك بود و سایر اشیاء سروقه بیش از صد و سب لیره (۶۰۰ تومان) ارزش داشت - متوالیا از حرابی انلاب راپورب میرسد و حناجه منگونند در یکموقع مساری از دهات را ویران و باحاک بکسان نموده اند - طوائف بهارلو نکلی از عهد اطاع خارج و ناعی شده اند. همه راعبده آن است که در بهار آینه اشکالاب رباد بواسطه انلاب تولید خواهد کردند .

اهواز

لسوتیان ولس ناندس هر ناس که مأمور محافظت امور استبحراح هب تطوید و مامان سده بودید درماه دسامبر وارد اهواز گردیدید و دومین صاحب منصب موسوم به لسوتیان ریکنگ اکنون نیز بدان طرف رهسپار است - در اوایل دسامبر محاربات بشگرافی بس اهواز و نزار جان مفتوح و محدوداً فقطوع گردید .

نمره ۹۲

قسمتی از مکتوب متر مارلینگ به سرادوارد گری -
(وصول ۲۰ ژانویه ۱۹۰۷)

از طهران ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷
در سیزدهم ماه جاری که ناصر الملك را ملاقات نمودم
اظهارات ایشان حاکی بود که روابط هیئت دولت باشاه مجدداً باعث
اضطراب و تشویش خاطر انجناب گردیده لیکن دلایلی ذکر فرمودند
تا بدان واسطه وقوع يك بحران سخت را پیش بینی
توانم نمود .

روز سه شنبه در مسجد سپهسالار واقع در جنب عمارات
پارلمان جمعیت کثیری فراهم آمده و ملک المتکلمین و سایر ناطقین
طرف دار مت نطقهای دهیج نموده شاه را تهدید و اعمالش را تقییح
میسکردند منما عزل و تبعید سعد الدوله و امیر بهادر جنگ را
خواستار بودند - نطقها و موعظه ها که همه با شدت و حرارت
ممزوج بود چندان نتیجه نبخشید و روز یکشنبه نزدیک ظهر بسفارت
خبر رسید که عما قریب يك اغتشاش عظیمی بروز خواهد نمود
آنگاه شنیدم که شاه قوه مضبوطی مرکب از فوج امیر بهادر
و غلامهای کشیک خانه - قاطر جیان و ساربانها فراهم آورده و در
میدان توپخانه ایشان را جاداده است و آنان برای حمله مجلس تصمیم
عزم نموده اند و هم شنیدم که مشروطه طلبان همگی مترصدند
بسفارت خانه متحصن شوند و از تحقیقاتی که فوراً بعمل آمد معلوم
شد قسمت اول راپورت صحیح بوده و صورت وقوع دارد و من

درهای سفارتخانه را امر به بستن نمودم و پیر دری یسکنفر غلام گماشتم و توصیه کردم که هرگاه مردم بخواهند بدانجا داخل شوند مرا مستحضر دارند ولی چنین حرکتی اتفاق نیفتاد .

تمام صبح را مجلس منعقد بود و سعی مینمودند که علاء الدوله و ظل السلطان را که هر دو در آنجا حضور داشتند به بردن پیام به نزد شاه و ادار نمایند ولی هر دو از پذیرفتن تکلیف مجلس امتناع ورزیدند و ظل السلطان بطور مزاح سرزنش آمیز اظهار داشت که شاید لایب الساطنه (کاهرا سیرزا) راضی شود که این مأموریت را در عهده گیرد .

علاء الدوله که شاه احضارش فرموده بود در ساعت سه عازم دربار گردید و معجلا ویرا تحت الحفظ بابرادرش معین الدوله بکربلا تبعید نمودند - هیجالی بامنتهای وحشیگری در دربار سلطنت که در آنجا کنل لیاخوف و یکی دیگر از صاحبمنصبان بریگاد قزاق بادهسته از قزاقها نیز حضور داشتند مشتمل بود و اشخاص مسلح در تمام عمارات دربار مجتمع بودند .

رفتار با علاء الدوله باعث وحشت و اضطراب مجلسیان گردیده و در ساعت پنج مصمم شدند هیئتی را که شاه برای صبح دیگر خواسته بود همالساعت بدربار سلطنت اعزام دارند و جلسه مجلسرا تا مراجعت ایشان از ترد شاه امتداد بدهند - مع هذا آن هیئت شرفیاب نگردید و اعضای مجلس پس از اصرای گرفتاری ناصر الملک اکمال عجله بمنازل خود شتافتند .

شاه وزرا را بدربار سلطنت طلبیده و ناصر الملک را که

ابتدا ورود نمود در تحت قید در آورد - یحیی از منوبین ناصرالملک موسوم بافتخارالتجار و نیز نوکرش که در سمیت وی بدربار رفته بود اخبار حملات ناگهانی شاه را در ساعت شش و نهم بمن رسانیدند و نوکر ناصرالملک اظهار داشت همچنانکه با آقای خود میر قتم آهسته بمن گفت « سفارت اطلاع بده ~~که~~ مرا در ساعت ده بقتل خواهند رسانید » این دو نفر باحال اضطراب و توحش از من تمنا مینمودند که فوراً کسی را از طرف سفارت برای استخلاص ناصرالملک گسیل دارم - استحضار از خیالات چند ساعت قبل شاه مشهود ساخت که ناصرالملک بمخاطره دچار آمده است - و من فوراً مستر چرچیل را برای تحصیل تامین حیوات آنجانب بدربار فرستادم و نیز گفتم که اگر تهین ندهند من خود برای وصول آن بدربار خواهم آمد - وزیر مختار روسرا از اقدامات خویش در اینخصوص مستحضر نمودم .

مستر چرچیل که بدربار وارد شد ناصرالملک را در یک اطاقی محبوس یافت در صحنه نیکه سایر وزرا در اطاق دیگر مجتمع بوده و من در تحت مراقبت امیر بهادر جنک نیز محبوس بودم -

خبر ماموریت مستر چرچیل ایشانرا قوت قلب بخشیده ولی برعکس باعث اضطراب و تشویش مستحفظین آنها گردید - پس از اندکی مستر چرچیل حضور شاه پذیرفته شد و آن اعلیحضرترا در صدر و ذیل صحن یکی از عمارات باکمال وجد و بشاشت کردش کنان یافت - شاه اظهار فرمودند هیچگونه قصدی در ایذاء ناصرالملک منظور بوده و بهر جا که بخواهد میتواند باکمال آزادی عزیمت نماید و همچنین درباره سایر وزرا مقصودی نداشته ام و ~~تکرار~~

میفرمودند « ترسیده اند ترسیده اند »

مستر چرچیل از حضور شاه باطابقیکه وزرا در آنجا جمع بودند مراجعت نمود و اندکی بعد ناصر الملك نیز بدانجا وارد گردید. بالاخره دستخطی از شاه رسید مبنی بر اینکه « آن اعلیحضرت از ناصر الملك راضی بوده و استعفای او از موقع وزارت پذیرفته شده و آزاد است بهر جا که میل داشته باشد عزیمت نماید » - پس از آن هیئت وزرا مجتمعا از دربار خسارج و ناصر الملك با معیت بکنفر غلام سفارت که مستر چرچیل همراه وی روانه نموده بود در ساعت هفت و نیم بخانه خوش وارد گردید - حل اینکه ناصر الملك بمخاطره نزدیک بوده و یا خطری نداشته خالی از اشکال نیست - ولی اوضاع دربار در نظر مستر چرچیل چنین حکایت مینمود که با ناصر الملك و سایر وزرا را باخسوت رفتار شده و ترس ناصر الملك از اینرو معلوم میشود که از من خواهش نمود دکتر نلیکانرا بعنوان طبابت و پرستاری همراه وی تارشت اعزام دارم چنانچه در سنه ۱۸۹۷ دکتر اسکلی را با آتلیک مرحوم بقم روانه نمودیم - جوابدادم من فعلا نمیتوانم اقدام باین کار نمیم لکن به رئیس غلامهای سفارت اجازه دادم که شبرا در منزل ایشان متوقف گردد و نیز مقرر داشتیم دو نفر غلام همراه آن جناب تارشت بروند و صبح دو شنبه اول طلوع آفتاب حرکت فرمودند - انجمنهای ولایتی قروبن و رشت سعی داشتند که جناب ایشانرا بساودت طهران مایل گردانند ولی در عزیمت باروبا جداً ایستادگی داشتند و روز بیست و چهارم بجانب باکو و پطروس حرکت نمودند -

مستر راینو رئیس بانک شاهنشاهی یکنفر از غلامهای مستخدم بانکرا در خدمت آن جناب تاباکو روانه داشت — روز سی ام ماه بوبنه وارد گردیدند و اراده دارند از آنجا بانگلستان عازم شوند .

حال برگردیم بشرح وقایع اتفاقیه طهران — هیچ شخصی نیست که شب دوشنبه اعلیحضرت شاه خود را بمقاصد خویش موفق میدانست — هیئت وزرا منحل اعضای مجلس بواسطه گرفتاری ناصرالملک و علاءالدوله ترسیده و متفرق گشتند — از انجمنهای سیاسی که یگانه پشتیبان مجلس بودند اظهار احساساتی شد — قشون شاه موجبات بیم و هراس اهالی شهر را فراهم نموده چیزیکه برای تکمیل (کودتا) حمله یلتیکی شاه باقی مانده همانا تصرف بهارستان و مسجد سپهسالار و دستگیر نمودن عدده از قائدین ملت بود — ولی باواسطه اینکه اقدامات خود را مکفی دانسته و با بجهت عدم جرئت دیگر اقدامی از وی بظهور نرسید و مظنون اینست که اقدامات سفارت در خصوص ناصرالملک نیز در اوضاع بی اثر بوده و بنا بر این فرجه برای مشروطه طلبان بدست آمد — صبح دیگر که مجلس بطور معمول انعقاد یافت اسباب حیرت عامه گردید و انجمنهای سیاسی را موثقی بدست آمده مجدداً قوت قلب و تجری حاصل نمودند .

در ظرف آروز جمعیت کثیری از مردم باع بهارستان و مسجد سپهسالار را که در جنب آن واقع است فرا گرفته و اعضای مسلح انجمنها رفته رفته بر فراز بامهای مجلس و مسجد برآمده و سایر نقاط سرکوپ را بحیطة تصرف درآوردند و از قراریکه معروف

بود تا اواخر آن روز سه هزار نفر تفنگچی برای مدافعه و حفظ مجلس حاضر گردیدند - همان روز از طرفداران مجلس در دو موقع نزد من آمده استفسار نمودند که آیا سفارت از طریق ممکن است با تجدد طلبان کمک و همراهی نماید ؟ - من بطور واضح جواب دادم که هیچگاه در اینگونه اوضاع مداخلتی نخواهم نمود و هر قدر بتوانم سعی مینمایم که نگذارم سفارت را مجبور بمداخله گردانند - آن دو نفر بکه ملاقات من آمده بودند اظهار داشتند که حزب آنها بمحاجمه اقدام نخواهند نمود و هرگاه بایشان حمله شود تابا حربه بمدافعه خواهند پرداخت

شب بارامی در گذشت هر چند مانند شبهای قبل چند نیری در میدان توپخانه و اطراف آن شلیک شد - یکمده مختصری از اشخاص مسلح برای حراست و حفظ مجلس متوقف گردید - قراق در کوچها پاسبانی و گردش مینمود - صبح سه شنبه ۱۷ همین ماه عده از اهالی ساکن در مرتع رمه و ایلخی شاه را که در نزدیکی ورامین واقع است بشهر آورده و در گوشه غربی میدان توپخانه جای دادند - برای آنها چادرها برافراشته خوراک و مسکرائشان را مهیا ساختند و دسته از قزاقها با چند عراده توپ در جنب آنها قرار گرفتند

برخی از آن اشرار در اواسط روز از آنجا رفتند ولی در اواخر روز مجدداً بر جمعیت آنها افزوده گردید تعداد چادرها بیشتر شد - دو نفر را در آروز بقتل رسانیده و بیچند نفر دیگر حمله آوردند - چون ادارات تلگرافخانه ایران را شاه مسدود و مخبرات را غدغن داشته بود بعضی از رؤسای ملاحا و روحانیین از من نمنا

نمودند که بک رشته تلگرافاتی باسیم الکلیس مخبره نمایند و میخواستند با این تلگرافات علمای تمام شهرهای بزرگ ایران و کربلا و نجف را از وضعیت طهران مستحضر دارند - من از پذیرفتن در خواست آنها امتناع ورزیدم چنانچه مستر بارکر رئیس تلگرافخانه هند و اروپا نیز تقاضای آنها را در این خصوص نپذیرفت

مکتوبی از طرف مجلس سفارت و سایر مأمورین فرستاده شد مشعر بر تذکار کوشش مردم در رهائی یافتن از ظلم و استبداد و ندهد خواستن ما را در حقانیت منظور خود و تمنای مساعدت در نیل به آزادی

تمام صبح را مجلس منعقد و در موضوع تقاضاهائیکه بیستی از شاه بشود مشغول مذاکره بوده و بعد از ظهر هیئتی را انتخاب نمود که حضور آن اعلیحضرت تشریف یافته قبول مطالب ذیل را درخواست نماید

- ۱ - عزل سعد الدوله
- ۲ - قرار دادن امیر بهادر را در تحت اوامر وزیر جنگ
- ۳ - داخل ساختن بریگاد قزاق را در جزو وزارت جنگ
- ۴ - قسم یاد کردن شاه در حضور مجلس برای رعایت قانون اساسی

- ۵ - تنبیه اسکسایکه بطرف مجلس شلیک کرده بودند
 - ۶ - تشکیل دولت نظر گارد ملی برای حراست مجلس
- بعد از ظهر که سفارت روس میرفتیم از جلو مجلس گذشته فقط یک صد نفری در حوالی آن متوقف دیدم و نیز عده مختصری

از بهنگچیان بالای نامهای عمارات اطراف مشاهده کردم - بعضی از
 دکاکین جنب مجلس باز بود و چون از عده ورامنی ها ~~که~~ در
 بوچخانه اجتماع داشتند کاسته شده بود حسن نظر می آمد که
 اوضاع بهبودی حاصل کرده و بملاحظه نقاصهائیکه مجلس از شاه
 نموده بود نا اندازۀ در اوضاع اثر بخشید

خوابهای شاه مانند همسه می بر همراهی بود ولی مراجعت
 ناصر الملك و علاء الدوله را که قبلاً در حواصیل شده بود ندرت -
 جلسه مجلس امداد ناف - جمعیت اطراف مجلس رو باز داد نهاد تا
 اینکه عده مردمان مسیح به سنس الی همب هزار بالغ کردند - هم در
 این حال خامان شاه در اردن باد عده خود کوشش داسه تا آنکه عده
 آنها در میدان بوچخانه بهرار و با صد شهر رسید - رؤسای مشروطه طس
 از خان خود امن نبودند عده فلبلی از آنها در مبارل خود سپهرا
 سر مسردند مانی او و خود را در مجلس و اطراف آن صرف مسمودند
 روز دیگر اوضاع بدور بهر مانی بود دانسکه معلوم بود بهتادی ساه
 در خصوص بعد چهار پنج نفر و کلای طرار اول هر کر در ره
 بمسود معهدا مذاکرات مانس مجلس و ساه در حال حرس بود

روز سه سه حور رؤسای ملک مقام خود را در حال امن
 دوسد اساع خود را سرک بهارستان بر عیب مسمودند و ظهار مند سند
 هول و اطمینان ساه داده اعتماد دارند که دیگر بر صد محسن و
 مخالف تمام خواهد نمود تا و خود این صحن مسخند بخاور مجلس
 را هور مردم در قصه داشتند

وار طرف اسخاصیکه در میدان بوچخانه متوقف بودند

اینکه آتش فتنه را مشتعل دارند دومرتبه اسباب انقلاب را فراهم آوردند در اواخر همان روز از رشت و قزوین و تبریز تلگرافات طرفداری از مشروطیت و جنبش عمومی مخابره گردید در صورتیکه انجمن تبریز اعلان نموده بود که شاه را باید معزول نمود - روز جمعه چادرهای اشراک که روز سابق برجیده شده بود مجدداً برپا گردید - تلگرافات دیگر که شاه را باعزل و ماقبل تهدید مینمود از ایالات دیگر مخابره گردید و در اواخر روز هر چند فریقین در تمام روز آرام بودند و یک هیئت وزرائی بانکه واقعبت نداشت صورتاً تشکیل یافت - اوضاع عموماً مانند همیشه نگوار بود - هنگام عصر خواهر زاده سعد الدوله موسوم به محمود خان بملاقات من آمده و خواهش نمود مکتوبی بمضمون اینکه سعد الدوله در حمایت دولت انگلیس است بشاه بنگرم این خواهش نظر بن بود در ۱۹۰۶ وقتیکه سعد الدوله به قسولگری دولت فخریه مقیم یزد پناهنده گردید سفارت اعلیٰ حضرتی از هیئت دولت شاه متوفی امنیت جانی برای وی تحصیل ~~کرد~~ من از پذیرفتن این خواهش امتناع نمودم روز دیگر یعنی ۲۱ ماه جاری همچو معروف بود که شاه تمام مستدعیات مجلس را پذیرفته و کابینه جدید تشکیل یافته باز در وضعیت امور چندان بهبودی مشهود بود - مردم از عناصر ترکیب کابینه رضایت نداشته و اقوال شاه را صدق نمیدانند علامات افسردگی در دربار سلطنت ظاهر و هویدا بود و شاه بواسطه اتحاد ظل السلطان با مشروطه طلبان توابع مضطرب بود و از این روی بهتاً حضرت والا را امر نمود که ابرانرا ترك کند - ظل السلطان بهرام میرزا پسر خود را برای درخواست حمایت

فوراً سفارت روانه داشت ولی بواسطه سابقه اطلاع از اینکه ظل السلطان اسلحه و بلکه پول بانجمنها فرستاده و پسرانش مسلح در بهارستان حاضر بوده‌اند از روی گرمی از وی پذیرائی نکرده و خاطر نشان نمودم که پدرش باید بمکتوبات مختلفه دولت انگلیس راجع بموضوع حمایت که در موقع لزوم میتواند منتظر بشود مراجعه نماید .

روزیکشنبه در ساعت ۱۱ چنانکه از پیش تر ارب داده شده بود مسیو دهارتویک و من حضور شاه شرفیاب شدیم مسیو دوهارتویک اوضاع را بطور واضح بیان نموده و از اعلیحضرت شهبازی مستدعی شد که اطمینان کامل بدهد بعد از نسبت بمشروطیت اظهار ضدیت ننماید. آن اعلیحضرت در جواب فرمودند من هرگز مخالفتی با پادشاهان ندارم و اظهار داشت قانون سانی که من خود امضا کرده و بصره پدرم موشح داشته ام چگونه از آن تخلف میورزم - و من مایلم انجمنهاییکه بمن و خانواده من تهمت بسته و هتک احترام می نمایند و آشکارا مشغول شرارت هستند برچیده شود

معروض داشتیم اطمینان و قبول آن اعلیحضرت که قصد مخالفت بامجلس نداشته و در راه خوشبختی مملکت خواهد کوشید ما را خوشوقت ساخت - این تشریف در مدت کمتر از یکربع ساعت صورت وقوع یافت و در ساعت سه من و مسیو دوهارتویک بملاقات ظل السلطان رفته و مقصود خود ما را از این ملاقات بانظردت دیگر که راجع بن والا حضرت بود اظهار داشتیم

در این حال اوضاع عمومی بیشتر تهدید آمیز گردید ..

انجمن تبریز بمنعکس داشتن و نشر عقیده خود در عزل شاه موفقیت حاصل نمود و شهرهای بزرگ که احساسات مشروطیت در آن نقاط ریشه های خود را ککترانیده بود مظهر هیجان شدید شدند .

از شیراز - اصفهان - گرمان - قزوین - مشهد - ورشت تلگرافاتی مخا بره شد متمر بر این که ما حاضریم قوای مسلحه خودمان را بطهران اعزام داریم و این اظهار احساسات برضد شاه بسایر ولایات سرایت نمود - عدم رضایت عامه از کابینه جدید که دوسه نفر آنها مظنون بودند باینکه آیا بامشروطیت موافقت خواهند کرد یا نه مشهود و نیز هیجان مردم برای تنبیه رؤسای اشرار اتصالاً رو بازدید مینهاد - اگر چه در میدان توپخانه کسی باقی نماند بالمعکس بهارستان و مسجد سپهسالار بر جمعیت خود افزود و در آن شب صدای شلیک تفنگ نسبت بشبهای قبل کمتر شنیده شد

صبح روز سه شنبه شهر را مانند همیشه در حالت آرامی یافتیم جز اینکه هنوز جمعیت در مجلس و مسجد سپهسالار بحالت سابق باقی بوده و بازارها تعطیل و مجلس منتهای جدیت را در ترغیت متفرق گردیدن انجمنها مبذول داشت - در اواسط روز معلوم شد مشروطه خواهان چون احساس نموده اند غلبه با ایشان بوده مایل شده اند که مظفریت خود را بدرجه کمال رسانند لذا مستحفظین آذربایجانی شاه را آشکارا تهدید نمودند که هرگاه دست از محافظت و همراهی شاه برندارند زنهار اطفال ایشان گرفتار زحمت خواهند شد - و بر بکاد قزاق نیز در هوا خواهی شاه مورد تهدید گردید

در عزل و قتل شاه علنا دلایل ذکر می‌کردند - درباریان یعنی درجه افسرده خاطر بودند - شاه از جان خویش در خوف و هراس بود - اتباع و ملازمانش از وی کناره نمودند و از هر طرف گفته میشد که آن اعلیحضرت بیش از یکپفته زنده نخواهد ماند .

بعد از ظهر بملاقات وزیر مختار روس رفته و مدتی در خصوص اوضاع بمذاکره پرداختیم و چنین دانستیم که فعلا نگهداری شاه در سربر سلطنت خیلی بجا و مهم شمرده میشود زیرا ظاهراً موقع ایرارا برای مساعدت از ابتلای بهرج و مرج شدیدتر از این نقطه بقی او احساس کردیم - اگر وی معزول گردد محتمل است که بیابت سلطنت مدتها بطول انجامد - و تمام ایرارین بقرض منفقند بر اینکه آنوقت بکمیجس مشاوره بیبت سلطنت بدون احتیاری مانند مجالس جمهوری تشکیل خواهد یافت و بی بواسطه رقابت و اغراض شخصی اقدام بیک چنین عملی البته درج و مرج سعتهی را با تشکیل یک حکومتی ضعیفتر از دولت حالیه نتیجه بدختیده که دیگر امینتی نخواهد بود .

پس اگر دولت منروطه بخواهد اقدام صحیحی بکند بهترین موقع مظفریت آن باداشتن پادساهی است که تکالیف آنرا قبلا بوی تعینم داده باشند .

بنا بر این چیزی که اکنون اهمیت خواهد داشت نگهداری شاه است - لیکن در اینحموس کاری از ما ساخته نخواهد شد زیرا بایک عددی اللیلی که بسفارتین اتصال دارند سعی در حفظ سده منتهای حماقت است - بعلاوه تاوقتیکه وزیری موجود نیست و نامدایی

که مجلس و اداره حکومتی در قبضه اقتدار انجمنهای شورش طلب است هیچگونه نفوذ و قدرتی ابداً پیشرفت نخواهد نمود .

اواخر همانروز سعدالدوله از دربار سلطنتی ~~که~~ تا سه چهار روز قبل در آنجا توقف داشت خارج شده و در سفارت هولند " متحصن " گردید .

روز عید مسیح و دو روز بعد از آن احوال جاریه بسکوت و آرامی گذشت باینکه از عده جمعیت اطراف عمارت مجلس و مسجد سپهسالار کاسته نشده بود - شاه که قول داده بود اشخاصی را که روز ۱۶ بسمت بهارستان شلیک کرده و مرتکب بعضی تجاوزات درشهر شده بودند مجازات بدهد هیچگونه اقدامی نکرده و بعد خوبش که قرار داده بود در مجلس حاضر گشته با قرآن قسم یاد کند ایفا ننمود .

روز جمعه ۲۷ عده از طلاب بریاست شیخ فضل الله که از همانوقت مطرود مجتهدین بزرگ و علمای عمده کربلا شده بود و نیز سید علی یزدی که یکی از فراهم آورندگان طرف دارهای شاه شناخته میشد بمسجد مروی واقع در مشرق عمارات سلطنتی " تحصن " یافتند و برخی از اشرار که یکی از شروط با شاه تمییه آنها بود نیز درمعیت آنها بدانجا پناهنده شدند .

جمعی از طلاب در شب یکشنبه سعی داشتند که بسفارت روس متحصن شوند ولی از ورود ممنوع آمدند و روز یکشنبه کوشش مینمودند که بسفارت عثمانی ملتجی شوند و بسیاری از آنها تاروز ۳۱ ماه در اطراف آن سفارتخانه باقی بودند .

شاه از روز عید میلاد مسیح از اندرون (عمارات داخلی) بیرون نیامد و در دو موقع که وزیر مختار هولند تمنای شرفیابی حضور آن اعلیحضرترا در موضوع تحصن سعدالدوله بفارت هلند نموده بود متعذر بکسالت گردید .

خیلی اشکال داشت در اینکه طریقه بدست آورد که بدان واسطه مجلسرا بقولیکه شاه داده بود متقاعد ساخت و مهیاد روز جمعه مشیرالدوله لایحه مبهمی بمسیو دوهارتویک فرستاد که از آرو هریک از سفارتین (روس وانگلیس) مکتوبی جدا گانه برئیس مجلس ارسال دارند و ما همارا اساس قرار داده مراسله بزبان فرانسه نوشته و روز یکشنبه برد آنجناب فرستادیم - جناب ایشان مختصر بغیراتی که ما نیز تصدیق آنرا کردیم به آن داده و مجدداً اعاده نمودند و بعد از ظهر یکشنبه نزد رئیس مجلس ارسال داشتیم .

آرا که من خود نوشته بودم سوادش را باکمال افتخار لفا تقدیم میدارم - اگر چه هنوز در مجلس قرائت نشده لیکن مشیرالدوله اطمینان داده است که عاقب و مانعی در قرائت آنها پیش نخواهد آمد .

ملفوف اول در نفو نمره ۹۲

(ترجمه مکتوبیکه بفراشه بانگلیسی شده است)

پس از تبادل نظریات وزیر مختار دولت روس و شارژدافر دولت بریطالیا راجع باقدامات بر طرف ساختن مخاطرات اوضاع کنونی نتیجه چنین حاصل گردید که :-

۱ - اعلیحضرت قدر قدرت باید همیشه بامجلس ملی متحداً

در کارها اقدام فرموده و در فکر اصلاح مملکت باشند و هیچوقت متشبث با اقداماتی که مخرب اساس مشروطیت است نشوند .

۲ - حمیات وطن پرستانه شاه را بمجلس اطلاع داده

بطوریکه بعد از مشاجرات مابین ملت و دولت اتفاق نیافتاد و بیکدیگر اعتماد نمایند و پس از آنکه مجلس اطمینان یافت آنوقت میتواند خود را از حمایت و حراست انجمنهای شورش طلبی که هیچگونه مسئولیتی در اعمال حکومت نداشته و مملکت را دچار هلاکت و فساد مینمایند و دو روز قبل یکی از آنها موسوم بانجمن آذربایجان جسارت ورزیده و رفته در خصوص عزل شاه اشاعت داد مستغنی سازد .

۳ - و باید بظن السلطان اکیداً خاطر نشان نمود حتی که در اشغال سر بر سلطنت بتازکی تعجب مینماید تصورست باطل و نیز استفاده از شورانیدن مردم خیالیست ختم .

نمایندگان روس و انگلیس علاوه بر پیششهاد هندی که پناه قدم داشته اند مصمم شده اند که ترد ظل السلطان رفته او را از خطرات رفتار و خیالاتیکه مخالف قول خود که در موقع درخواست حمایت از سفارتین داده بود آگاه سازند .

چون دولتین روس و انگلیس قول داده اند صیحه ولایت عهد را در خانواده پادشاه حاضر بشناسند لهذا نمیتوانند سلوک و رفتار آن و الاحضار را شایسته بدانند و باستی مخاطره حرکاتشرا بوی بفهمانند

ملفوف (۲) در لف سره ۹۲

مراسله مستر مارلینگ بر رئیس مجلس .

جناب رئیس طهران مورخه سیام دسامبر ۱۹۰۷

مشروحه مورخه ۱۱ دعهده که از طرف مجلس راجع به
 احواد و وضع این چند روز اخیر بود واصل گردید .
 ارمقاصد حخته محسن تا کمال وحد مسحصر کردم .
 کسی که از روی صداف کمال مواهب و همراهی را
 تا ابران دارد مخصوصاً سوزن دوان و حبه انگلیس که مالی برقی
 و حوسبجی انعمک است منتظرید این بی طمدها برودی حیمه
 پدر سود - و ر طریق احسانان سان دوسی سستی بوده اند که
 اوضاع اسف انگر چند روز خبر در آرمی حاصل آید - بر سر
 مالی شده اند که در صورت ساهلسهی را ر بحث و حتمه لب حسن
 اوضاع معسونه مسووی سرید .

اگر از راه روسی این خود طمندر برده که حساب
 اعد محصر - ر خصوص در سب در ژووهی و در سعاد این
 ممک - بملایب رده در - و سبب آن اعد محصر بر ر غره لب
 خود مطلع ساجسد که در سبب تحول مسروطایب و موافقت محسن
 و غیر خود درون ساجسی ر مسیری دارند - می نفس در سبب
 آن اعد محصر در آید در خلاف قسم و توانسکه بمحسین می دته است
 امدامی جواهرند برمود .

در ن مویج که حد مدین ذواب و محسن می بر سر
 ندند است در یک هی خودم را به رئیس تمام میانه .
 از آن حساب مدعی همی که مطالب فرم را اعصمائی مجلس
 مقدس می اطلاع بدهند و صور همکم که میوانم نفس حاصل عام
 که و کلای محترم بک علام و دلیل جدیدی در حساب دودنه و

نیست خواهی صمیمانه که دولتین انگلیس و ایران را بیکدیگر متحد ساخته است در اشغال و مشاهده و ملاحظه خواهند نمود .

(امضا) چارلس - م - مارلینگ

نمره ۹۳

مکتوب متر مارلینگ بر ادوارد گری (وصول ۲۰ ژانویه)

از طهران دویم ژانویه ۱۹۰۷

آقا

هر چند طهران اکنون بالنسبه آرام است و در ایالات کمتر از آنچه گمان میرفت که اگر اطلاع از حوادث پایتخت بهمرسانند بی نظمی بظهور خواهد رسید ولی ترس آنست که این سکوت و آرامی فقط موقتی باشد و رفته رفته مملکت را هرج و مرج شدیدی تری فرا گیرد .

مردم در کش مکش باشد مظفرت کاملی حاصل نمودند ولی امید آن را ندارم که حکومت مشروطه بر روی پایه و اساس بدوامی استقرار بیابد - در حقیقت شاه فعلاً تسلیم محض است و اکنون از عمارات داخلی سلطنتی خارج نمی شود - بیاناتی که انجمن بالائی تبریز در کذب اقوال شاه و بیکفایتی حاکم آذربایجان اشعه داده سبب هیجان عامه و بی اعتمادی مشروطه طلبان و نفرت ایشان از آن اعلیحضرت گردیده و بیم آنست که اگر مجدداً مردم تصور سازند که شاه در مخالفت بمجلس کوشش دارد آن وقت گرفتار حشم و حملات آنان گردیده از سلطنت معزولش خواهند ساخت فقط اگر بتواند جانی سلامت بدر خواهد برد - پیشرفت حکومت مشروطه چنانچه در مراسله دیگر اشارت نمودم ظاهراً به

بقای محمد علی شاه در سریر سلطنت خواهد بود ولی نمی توان امید وار شد که وی از این گونه مداخلاتی که باعث هیجان و خشم گردیده احتراز نماید .

از طرف دیگر مجلس و حامیانش سزاوار ملامت باشند و مجلس تا اندازه بواسطه مداخلات مضره انجمنها بهیچوجه شاستکی خود را در اجرای وظائف خویش طاهر ساحب - و یکی از ابرانیهای بی طرف جنین میگفت که اگر شاه حمله بلتیکی خود را ناچند ماه بتعویق میگذراید نظر باینکه حکومت متروطه برای ایران زود بوده هرآنه عد، مردم برجیدن مجلس را بالصرافه درحواست می نمودند .

لیکن بواسطه نادانی و فساد اخلاق است که فقط ذیل اشخاصی از اعضای مجلس شاید از روی واقف مایل بتجدد هستند و هر چند برخی از آن مانند بی راده اهمیت موضعی در مجلس کسب کرده ولی اکثریت و کلا که همگی بی علم و جهلند غالباً فرمان بردار هیچ نشی من از اعضای متنفذ که فواید شخصی خود را همی طاب و در حقیقت امور مجلس را بقبضه اختیار در آورده اند میباشد - بی ندبیتی و فساد اخلاق آنان را فقط نک مثل کافی خواهد بود از این قرار - که مبلغ کثیری پول بعنوان تسکیل بانک ملی و غالباً بتهدیدات غیر مستقیم از اشخاصی که بارنحاج مظنون بودند عتفا گرفته و یکی از بواب ریاست مجلس برسم امامت سپرده شد - صورت حساب آن را که بحتمل بمقدار صد و پنجا هزار لیره - (۲۵۰۰۰۰ تومان) بوده بهیچوجه ارائه ندادند و شاید آرا بهارباب

حقوق برداشته نمانند ولی در افواه جنس شایع است که مجلسان
و انجمنها تماماً را بمصرف خود رسانده اند به حال اگر استمطلب
صدق است در این صورت ملک جنس بی بدنی و طلب منافع شخصی
و بی اعتمادی را بکنند بکنر بواسطه طلب کردن بهم از هیچجه مجلسی
بپسوجوه آمدنی نخواهد بود و هم بپسوجوه آن نبرود که در
مخارج آنه و کلای بهری منجبت برود به حسب مطلب آن است
که هنوز ایران ناسته حکومت شوروی و مسروطه بوده و دوغدر
دیگر هم نخواهد بود .

بار هیچجه معلوم مسود که ویرا بدین مراتب هیچکوه
تالاحتی محبوس بشود مسائل است و درجه استاده ساد معلوم
اند که کرده و شور و استام ساد استامی درجه روی در
سم و خوفد - و بویه مجریه بواسطه برین رساند و حرب کردن
مجلس و جسته بکلی منسوخ و - کرد رساند .
آنرا از شخص صاحب سیه باو تا ایم است که کند
بواسطه حسب طبعی که حاصل بوده رهه دالسی بود ولی وجود
ملک جنس شخصی است و سبب این است که در این مفسد و مقدر
است مسکن است رفیق است باو در این زمان که در این حاضر
بسر است و در استوار اساس موجود خواهد بود و در آن حال
بی نظمی که آمدی بطول انجمن ناسته بطور آبی بوده و در
از هرج و مرجی که درجند است - اخیر وجود دانست خواهد بود -
از طرف دیگر در احتمال قوی مسرود رفتار و اعمال ساد که از
روی احتیاط بوده مجدداً حشم و همتان عمده را بر ضد خود

بر انگیزاننده و بدانواسطه از سلطنت مزول گردد.
 چیزی که میتواند امیدوار نماید که اگر بی نظمی بظهور رسد چندان
 شدت و دوامی نخواهد داشت عبارت است از حالت مسالمت آمیز
 مردم که نمیتوان آنرا تعبیر ترس نمود و اینستله را از این رو
 میتوان سنجید که باوجود آن همه هیجاناتی که در این بحرانیهای
 اخیره بروز نمود هیچگونه نصادمی درین فرقهین متخصصین بظهور
 نه پیوست .

(نضا) چارلس - ا - رلینگ

سره ۹۱۶

مکتوب سرپیکسن بسرادوارد کری - (وصول ۲۰ ژانویه)
 آقا از سمت بطرز بورغ مورچه ۱۵ ژانویه ۱۹۰۸
 دبروز اعلیحضرت امپراطور موافق معمول شرفیابی حضور
 را در تسارس کوا - سلو باردادند - هیئت دیپلوماتیک تسارسکات
 خودشان را دراین موقع سال جدید مقدم داشتند من وفرا مختتم
 شمرده که به آن اعلیحضرت عرضه ندارم دولت فخریه انگلستان از
 اعدل متفقانه سمیمی مسیو ایزولسگی که در بحرانیهای ایران با ما
 نموده خوشنود و مسرور میباشد و نیز فوایدی که از هم آهنگی
 و اقدامات متحدانه دولتین بظهور پیوسته بعرض رسانم - و من
 شهادت میدهم که وضع و سلوک مسیو ایزولسگی در این حوادث
 اخیره ایران تماما از روی صداقت و صمیمیت بوده .

بازی اعلیحضرت امپراطور فرمودند مخصوصا از روش
 دوستانه که دولتین در اقدامات متفقه خود مرعی داشته اند مشعوم

و همچنین از دونه‌اینده دولتین مقیمین در بار ایران که با یکدیگر صمیمانه بکار مشغول شده‌اند رضایت خاطر حاصل است - و نیز بقسولهای دولتین مقیم ایران که تعقیب مسلك متحدانه دولتین مطبوعتین خود را نموده اند اهمیت بسیار میدادند .

و آن اعلیحضرت اظهار فرمودند که شاید ظل السلطان در حدود دعوی سلطنت ایران بر آید لیکن امید است اختطاراتی که توسط نمایندگان دولتین انگلیس و روس بوی شده او را از اینخیال باز داشته و از خیالات او در فراهم آوردن دسایس مانع شود .

(امضا) آ - پکسن

نمره ۹۵

مکتوب سرینیکسن برادوارد گری - (وصول ۲۰ ژانویه)

آق ازسنت پترزبورغ بتاريخ ۱۶ ژانویه ۱۹۰۸ امروز مسیو اینزولسکی بن اطلاع داد که نظر بحنیاط لازمه مصاحت چنین دانسته شد مختصر مشونی در حوائی حدود ایران مجدداً تقسیم شود و گفت که در تمام خط جلفا فقط ۶۰۰ نفر قزاق مأمور نموده اند و من این اقداماتیرا که احتییر کرده اند بسیار معتدلاّه می پندارم .

هرگاه در تبریز اغتشاش شدیدی رخ نماید به آن طریق که اتباع روس دچار مخاطره گردند آن وقت این شش صد نفر قزاق برای مساعدت و حراست آنها آماده ومهیا خواهند بود . دولت ایران بتوسط شارژ داهر خود مقیم اینجا اظهاراتی در اینموضوع نموده و گویا در خصوص آنچه واقع شده اخبار

عراق آمیز شنیده باشد .

سیو ایزولسکی بشارژداهر مزبور اظهار داشت که هر چند تصور نمیکردم آنچه را که اولیای دولت روس اجرای آن را در حدود خود شایسته بدانند توضیحی خواسته شود معذراً تفصیل اقداماتی که اتخاذ شده است کما هو حقه بیان خواهم نمود - و نیز گفت بصاحب‌منصبان فرمانده اکیداً غدغن شده است که تأملیمات واضحه از مراکز نظامی بایشان داده نشود بهیچ وجه بایستی از سرحد عبور نمایند .

(امضا) آ - ییکسن

نمره ۹۶

نگراف متر مالینگ سرادوارد گری - (واضئه ۲۸ زانویه)
راجع بقرضه ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴

وزیر امور خارجه پیغام فرسناد فرع قرض را (که من تصور میکنم معادل است با ۱۳۶۰۱ لیره و ۶ پنس) بهمین رودبها خواهند پرداخت .

نیز قول داده اند ولی بطور مبهم که جواب شروط ما را در خصوص قسط استهلاك ایصال دارند لیکن چون از این بیسی مکرر قول داده بودند لهذا جساتا عرض میکنم برای اینکه جناب ایشان در صدد جواب بر آیند مجاز باشم کتبا به انجناب اطلاع بدهم که دولت اعلیحضرتی چنین تصور کرده است شروط اشانرا دولت ایران نظر باین که مدتی گذشته است بطور سکوت پذیرفته .

